

ای صفات و مترادف جمال
 و ان صفات حرفها در کون حال
 صفت آن گویند دلالت چون
 بر سر معناد در موصوف کند
 از برای حرف صفت چون ناقص
 تا بداند کیفیت حرف او جداست
 حرف باشد چون در اطلاق است
 او بدین او صاف اید با صلوح
 در سخا شده چگونه او
 که شود دانسته زین او صاف

تفصیح الصفات و تعدادها علی الاجمال

بر دو قسم آمد صفات حرفها
 لازم یک عارضه تا انتزاعا
 لازم و جبر است بیس هم
 شده است بین در ادا
 دیگر استغلا بود هم استغلا
 باشد اطاق انفتاح ای نیکو حال
 زلق صفت قلقله صغیر بین
 هم تفتی انخاف تکرارین
 استظالم نفع عنده هم سکون
 نفت هشت سوی دان کنون
 قسم نانی عارضه چون حرکات
 ضم فتح کسر چونند از صفات
 هم در اشباع و قفا شام
 روم هم تفخیم رفیق ای عزیز
 اخلاص

کما ابولیس فیه رضوانه یغنیتم
 اخلاص و کرامه قصر مد
 هم بود تحقیق تسهل نسبت
 حذف ابداست جمع غیر این
 هم محاسن در قرآن دان
 از صفات لازمی هفده صفات
 لازم آیند در بیان اینکلمات
 لیک اند عارضه آنچه ضرور
 اید آن در موضع خود بی قصور
 این بود مجمل سخن اند صفات
 از سر تفصیل خوانم من برات
 گویند شرح همه یکیک جدا
 حرفها را تا بدانی در ادا

فوائد وضع الصفات و وجهها و بیانها علی التفصیل

ای برادر دانش وضع صفات
 واجب آمد در حروف مفردات
 تا هر حرف با هم قریب المنجبین
 فرق سازی با صفات ای نورانی
 طاحطی نایفقونه سبهم
 در میان فرق اطاباقت هم
 و هم با طباقش نسا و توجدا
 و عازت مستعد کامل روا
 از خدا توفیق میخواهم بذات
 مختصر بهر تو گویم ان صفات
 حرفها را دان صفت چهل چهار
 لیک هفده لازم آمد در شمار